



آبشار اخلمد

هم مخوام ببینم مخن برن اخلمد که چی کار کنن؟ آبشار نادیدن مگر؟ خب وخن همو دوش حموم خنتای تا هم آخر واز کنن، انا! همی شد آبشار! دگه نیمخه یم ایقدر راه کله کنن بوکوپن برن تا برسن به اخلمد. تازش مگر فکر کردن ای جوریه که قینگی برن در آبشار نگر درن لنگتای از ماشین دربیارن بذارن تو آبشار؟ بایست یک دو ساعت از میشد با ماشین برن تا نزدیک چنارون، بعدش ماشین ر تو روستای اخلمد نگر درن، واز یک دو ساعت دگه پیاده لخ بیکیشن از تو آب خاک از رو سنگا رد برن تا تازش برسن به آبشار اولیش. تو راهشم از هم یکور آب پیشینگتا مره از یکور دگه گرد دولخ می شینه روتا. اوناهایم که مکش مرگمائی اعیونئی اونجه خر اجاره مکنن می نشینن روش که یک وخت لنگشا درد نگیره، واز اونایم می بینی ناسن خره یک لقط قایم مزنه تو گردشا یا کلپک دستشای کلف مزنه یا گزمبستی مزنشا به زمین. تازش بعد ایقدر بدبختیا که برسن به آبشارش می بینن انا! ای که عین هم دوش حمومتای! حالا یک خردو درازتر گنده تر! اصلن ای آبشار اخلمد ر می گی از رو ای دکور آب نماها که تو ای هتلائی شیکان پیکان، چفت دیفال مذارن از چختش آب ول مره می ریزه تا پایین واز آبا ورمگرده از دوباره می ریزه، دژس کردن. هم هر وخت سالم که می ری همشه یک عالم آب آزو بالا پیشینگ مره ئی همه ی او دورورش لوش آزی خزه ها ئی گل گیاه دنگون ئی همه جا سبز. واز زمستونا اونجه ایقدر نسره که عین هم آلاسکا مره ئی همه آبشار یخ مزنه ئی قندیل مبنده، یک طوری که اگر شهرداری وردره از همو بالاش یک عالم آزی ککوها ای برفته ئی قرص اسمالتیر پودر نارگیل بیریزه، میشه همه مردم میشد قلفتی بین بستنی بخورن. واز یک عده آزی ورزشکارا که ایقدر بیکارن که با خودشا اناثای مخصوصشای می یارن عین هم چی میچسپن به دیفالای آبشار آزو سنگا مرن به بالا. یک عده یم مرن تا آبشارای دئیم سیئم چارمیش بعدم تو او باغای میوه ی اونجه ئو مخورن. یک عده دگه یم که همو پای آبشار چفت رودخه چادرشب مندزن منگا می یارن قلفت غذائی منقل آتیش ر راست ریس مکنن عین هم سیزده بدر حال مکنن بری خودشا. خلیصه که گفته بشم ایقدر راه نندزن برن تا اونجه که هم هیچه ندره.

دولخ گردو خاک
چخت سق
کلپسه مارمولک
لخ کشیدن میدنوم ولی نیگم!
پیشینگ دگه برن در خینه
خودتا که خسته رفتن!

صفحه ۳

۱۴ آبان ۱۴۰۱

شماره ۵۴

قسمت پنجم

فصل جدید

کارشناس حوزه انرژی در تاکسی



کارتون: نازنین اسماعیل زاده

انرژی می آورند، مطمئناً یک پولی بابت نظراتش می دهند، نه اینکه پولی هم بگیرند!

بالا بره. بگو پس. واسه همین آمار هم مصرف انرژی ایرانیا رفته بالا! مسافر پشت سری دوباره گفت: بابا! منظورش از انرژی چیزایی مثل نفت و... است. گفتیم: ما ایرانیا که خیلی وقته نفت نمی خریم. شماها خودتون آخرین بار کی نفت خریدین؟ در همین حین ناگهان از پشت دستش را محکم گذاشت جلو دهنم و محکم فشار داد تا دیگر نتوانم حرف بزنم. انتظار داشتم راننده و بقیه مسافران این حرکت ناگهانی و خشونت آمیزش را به شدت هرچه تمام تر محکوم کنند و تندتند بگویند: ولش کن، ولش کن، ولش کن!

ولی در عمل نه تنها کاری نکردند، بلکه یک مسافر به او گفت: دمت گرم. و راننده هم گفت اگه تا خود فلکه پارک بتونی همین طور ساکت نگهش داری، کرایه ازت نمی گیرم.

البته راننده که به مسافر پشت سرم گفته بود ازت کرایه نمی گیرم، کرایه اورهام از من گرفت. نمی دانم چرا این طوری شد. چون توی تلویزیون وقتی کارشناس حوزه

همین که صندلی جلوی تاکسی نشستیم، شنیدم رادیو گفت: طبق اعلام آژانس بین المللی انرژی، ایران جایگاه نخست مصرف انرژی را دارد.

گفتم: فقط مونده بود تاکسی تلفنیا هم آمار اعلام کنن.

راننده و مسافران عقبی گفتند: تاکسی تلفنی؟

گفتم: آره دیگه. خودش گفت آژانس اعلام کرده.

مسافر عقبی که دقیقاً پشت سر من نشسته بود، گفت: چی می گی! آژانس اسم یک سازمانه. تاکسی تلفنی کجا بود؟

گفتم: به هر صورت. بعدش هم ایرانیا فقط جایی می خورن. نوشابه انرژی را این قدر گروه که بیشتر مردم نمی تونن بخرن. حتی همین تقلبیاش هم گرون شده. گفت: منظورش از مصرف انرژی که نوشابه انرژی زانیست.

گفتم: آها، فهمیدم. منظورش همون انرژی صبحگاهیه که قبلنا وقتی واتس آپ بالامی اومد، استوری می کردیم که صبحتون پر انرژی! منم همه ش استوری می کردم تا ملت انرژی شون